



12 جون 2015

داکتر سید عبدالله کاظم

چرا و چگونه محمد داؤد خان را بیک مخالف سرسخت نظام تبدیل کردند؟

(قسمت سوم)

اهمیت تاریخی نامه ها:

اهمیت تاریخی این مکاتیب در محتوای آنها است، چنانکه در مکتوب اول و دوم بعد از ذکر مطالب مقدماتی به جزئیات پیشنهاد پرداخته شده و جزواری بیان گردیده است به همان گونه که قبلاً مورد موافقه گروپ مشورتی قرار گرفته بود. اگرچه متن مکمل پیشنهاد در مقاله قبلی به نشر رسیده است، اما برای تداعی خاطر و نیز اهمیت محتوای آن دو مکتوب برای آنچه که بعداً در دوره انتقالی حکومت داکتر محمد یوسف از طرف کمسیون های مؤظف تسوید و بعداً مشورتی قانون اساسی جدید طرح و در لویه جرگه 1343 مورد تصویب قرار گرفت، لازم است تا متن پیشنهاد را به استناد آن دو نامه ذیلاً تقدیم علاقمندان نمایم:

محمد داؤد خان در مکتوب اول نظر و پیشنهاد خود را بحضور اعلیحضرت با اختصار در دو بدیل (الترناتیف) چنین ارائه کرد:

در بدیل (الترناتیف) اول تغییر نظام از سلطنتی به جمهوری مطمح نظر او بود که محتاطانه آنرا در لفافه و بدون ذکر کلمه "جمهوری" بیان کرده و از مشکلات عملی این تغییر تذکر داده است به این عبارت که: «اینکه ملت افغانستان چه شکل اداره را برای مملکت مفید و مناسب میداند، توسط یک ريفراندم عمومی رأی آزادانه ملت افغانستان خواسته شود. درجه فهم و تطبیق عملی ساختن همچو یک رأی گیری نظر به سویه فعلی مردم ما چه خواهد بود، خیلی مجهول و در ظاهر غیرعملی به نظر میرسد. از طرف دیگر چون در همچو یک ريفراندم طبیعتاً حرف از سیستم های مختلف بمیان خواهد آمد، لذا فیصله و قرار آخرین آنها تنها و تنها به شخص اعلیحضرت شما بحیث پادشاه افغانستان مربوط است و بس.»

و اما در بدیل (الترناتیف) دوم موصوف از تغییر قانون اساسی و تعدیل رژیم سلطنتی به شاهی مشروطه صحبت کرده و مواد آتی را در پیشنهاد خود با اختصار گنجانیده است:

1 - کمسیونی مرکب از متخصصین حقوق و اشخاص با صلاحیت و باتجربه تعیین گردد تا در قانون اساسی تجدید نظر نموده، پروژه های قانون اساسی جدید را به اساس سلطنت مشروطه ترتیب و به حکومت تقدیم دارند.

2 - همچنین عین کمسیون یا کمسیون دیگر قانون انتخابات و دیگر قوانین مهم که به قانون اساسی رابطه نزدیک دارد، تدوین و بغرض غور و مطالعه بحکومت تقدیم دارند.

3 - پس از غور و تصویب دولت لویه جرگه انعقاد گردیده و قوانین مذکور بغرض غور و تدوین و تصویب به لویه جرگه تقدیم گردد.

4 - پس از تصویب قانون اساسی از طرف لویه جرگه آمادگی برای انتخابات گرفته شده و به اساس قانون جدید انتخابات عملی گردد.

5 - باختم انتخابات و افتتاح شورای جدید (به اساس یک حزب و دو حزب) حکومت فعلی مستعفی و حکومت جدید تشکیل و زمام امور مملکت را بدست خواهد گرفت.

این اجراء باید به اساس این پروگرام بوقت معین عملی گردد.»

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاره ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولۍ

قرار معلوم طوریکه از مکتوب دوم محمد داؤد خان برمی آید: اعلیحضرت به تاریخ 12 سنبله 1341 مکتوب فوق الذکر را پاسخ دادند و در اصول با بدیل دوم پیشنهاد موافقت کردند و حتی آنرا یکی از آرزوهای پدر شهید شان اعلیحضرت محمد نادرشاه خواندند، ولی عملی شدن آنرا به وقت و زمان مناسب و افرادی که بتوانند مسئولیت عملی ساختن آنرا بدوش گیرند، موکول نمودند. با آنهم محمد داؤد خان در جواب اعلیحضرت پرداخته و پیشنهادات خود را در جهت تحول اجتماعی جامعه افغانی در نامه دوم مورخ 24 جدی همان سال مکرراً با تفصیل بیشتر به حضور پادشاه تقدیم نمود و مراحل اجرا و پیشبرد این تحول را چنین بیان داشت:

«قانون اساسی افغانستان که در وقت و زمان دیگر و شرایط و ایجابات جداگانه ترتیب و تدوین شده است، باید تجدید گردد. نقاط اهم و هدفهای برجسته این قانون که پیشبینی میشود، چنین است:

رژیم شاهی مشروطه و طرز حکومت پارلمانی و دیموکراسی خواهد بود. حقوق جلیله پادشاهی در آن تثبیت خواهد شد. پادشاه نشانه وحدت و سلطه ملی و شیرازه تمام مملکت است. پادشاه بالاتر از قوای سه گانه قرار دارد. پادشاه به صفت فرد اول کشور غیرمسئول شناخته میشود.

قانون اساسی تصریح خواهد کرد که اعضای خانواده سلطنتی کدام اند و چه حقوق و مزایا دارند.

آزادی های فردی و حقوق شخصی درین قانون اساسی تثبیت خواهد شد.

در قانون اساسی جدید بوجود آمدن دو حزب پیشبینی خواهد شد که در سیستم پارلمانی دو حزب فعالیت خواهد کرد و برای اشغال کرسی های شورا جد و جهد خواهند نمود. حزب اکثریت را پادشاه به تشکیل حکومت مامور خواهد ساخت. قانون اساسی جدید تثبیت خواهد کرد که دولت عبارت از قوای سه گانه تقنینیه، قضائیه و اجرائیه می باشد. قوای تقنینیه از جرگه شورایی است که نمایندگان آن از اعضای حزب تثبیت شده از حوزه های معینه انتخابی خواهند آمد. قوه قضائیه متشکل از محاکم ثلاثه: ابتدائیه، مرافعه و تمیز است، که بکلی از تأثیر و اعمال نفوذ قوه اجرائیه محفوظ و مصنون خواهد بود.

قانون انتخابات طبق شرایط یک نظام پارلمانی دیموکراسی ترتیب خواهد شد.»

محمد داؤد خان در نامه دوم خود، در صورتیکه پیشنهاد فوق منظور گردد، به اقدامات بعدی چنین اشاره میکند:

«الف - نشر یک ابلاغیه از طرف دولت که آغاز این تحول را با پروگرام آن به اطلاع عامه برساند.

ب - یک عده علما و متخصصین برای تثبیت و تدوین مسوده قانون اساسی مؤظف خواهد شد که مسوده متذکره را در مدت 12 ماه ترتیب نماید.

ت - بعد از تهیه مسوده، لویه جرگه دعوت شود که به حیث مجلس مؤسسان، قانون مذکور را تدقیق و تصویب نماید.

ث - بعد از تصویب قانون اساسی از طرف لویه جرگه، حکومت فعالیت حزبی را سهولت خواهد بخشید تا نمایندگان خود را از راه مرام حزبی به شورای ملی بفرستند. برای اینکه این فعالیت صورت بگیرد، حد اکثر شش ماه فرصت داده خواهد شد.

ج - در چنین سیستمی که آزادی عقیده و بیان، آزادی اجتماع و فعالیت سیاسی بیشتر شود و رونق زندگی گرم تر میگردد، حکومت سرپرست و حکومتهای مابعد دیگر برای حفظ امنیت و حفظ مصالح ملی به توجه و مراقبت جدی تر و مسئولیت بیشتر مواجه خواهد شد. لذا در خلال مدتی که قانون اساسی تدوین میشود، مسوده این قانون نیز تهیه میگردد. این است مفعوره و پیشنهاد ما یعنی من و رفقایم که فوقاً بحضور شما رسانیده شد.»

پادشاه پیشنهاد را تائید کرد، اما؟

این "اما" سوالیست که جواب آنرا نه با قاطعیت، بلکه به احتمال قوی میتوان ارائه کرد، زیرا پادشاه (طوریکه از ورای مکتوب دوم محمد داؤد خان برمی آید) عملی شدن پیشنهاد را به وقت و زمان مناسب و افرادی که بتوانند مسئولیت عملی ساختن آنرا بدوش گیرند، موکول کرد، درحالیکه پس از مدت کوتاه به داکتر محمد یوسف صدراعظم جدید هدایت

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولۍ

داد تا در تسوید قانون اساسی جدید کمیته ای را بگمارد و چنانکه بعدتر دیده شد، مسوده قانون اساسی جدید (به استثنای ماده 24) تقریباً به عین محور می چرخید که در پیشنهاد محمد داود خان مبنی بر تعدیل نظام شاهی به نظام شاهی مشروطه شکل گرفته بود.

مسلم است که هر یک از خود می پرسد که چرا اعلیحضرت به پیشنهاد محمد داود خان وقعی نگذاشت، آیا از عروج مجدد او در قدرت هراس داشت و یا دلیلی دیگری موجود بود؟

قبلاً از بروز رقابت ها و اختلاف نظرها در داخل خانواده سلطنتی بخصوص بین محمد داود خان و سردار عبدالولی داماد شاه مختصراً یاد آوری کردیم و اینکه پادشاه به در این میان در یک حالت حساس قرار گرفته بود تا بین دو عضو مهم خانواده کدام موقف را اختیار کند، از یکطرف یک معضله اساسی بود و از طرف دیگر به احتمال قوی گروه های بیرون ارگ که از تداوم قدرت داود خان و گروه اوخشنود نبودند، به دلیل اینکه سیاست وابستگی روز افزون کشور به اتحاد شوروی و نیز ادامه فضای متشنج روابط با پاکستان و ایران برای افغانستان مشکلات بار می آورد، ذهنیت پادشاه را در برابر ادامه کار محمد داود خان و عملی ساختن برنامه پیشنهادی تحت قیادت موصوف تغییر داده باشند.

نکته مهم دیگر در ارتباط با موکول کردن پیشنهاد محمد داود خان توسط پادشاه بیک وقت دیگر و توسط کسانی دیگر به احتمال بسیار قوی به این دلیل خواهد بود که پادشاه نمیخواست کردیت اینکار مهم و تاریخی را به مثل پلانهای پنجساله و عملی ساختن موفقانه نهضت زنان بار دیگر به محمد داود خان بدهد، درحالیکه هر دو تحول مذکور در عصر سلطنت اعلیحضرت شان صورت گرفته بود، ولی امتیاز آن عملاً به دوره صدارت محمد داود خان و شخص او نسبت داده می شد.

بعضی ها بر این نظراند که اعلیحضرت بعد از سه دهه حکومت های خاندانی که اختیار بیشتر در دست صدراعظم ها قرار داشت، به مرحله رسیده بود که میخواست خودش به تنهایی عنان امور را در دست گیرد و آنچه را در گذشته بنام صدراعظم ها ثبت شده بود، از آن به بعد بنام خودشان درج تاریخ گردد، چنانکه دهه قانون اساسی و تحولات مهم آن محصول اندیشه و افکار مستقل اعلیحضرت شان محسوب میشود.

صباح الدین کشکی در کتاب "دهه قانون اساسی ... خویش در زمینه می نویسد: «آنچه پادشاه و مشاورین او، مخصوصاً شاه ولی [مارشال عم شاه] و عبدالولی [داماد شاه] در نظر داشتند، با پیشبینی ها و طرح محمد داود فرق داشت. محمد ظاهر شاه که مقام سلطنت را بسن نزده سالگی اشغال کرد و برایش از طرف کاکایش (محمد هاشم و شاه محمود) و سپس محمد داود موقع داده نشده بود تا مستقیماً از اختیارات خود استفاده کند، در سال 1963 [1342] احساس میکرد وقت آن فرا رسیده تا از قدرت خود مستقیماً کار بگیرد، ولی تا وقتی که محمد داود بحیث صدراعظم اختیارات حکومت را در دست داشته باشد، این کار میسر شده نمیتوانست. شاه ولی و عبدالولی به نوبه خود مصمم بودند محمد داود را کاملاً از میدان سیاست بیرون کنند. رقابت ها و خصومت ها میان ایشان ریشه عمیق داشت، لذا پدر و پسر هر دو استعفاي داود را بحیث مرحمتی تلقی کردند.» (صباح الدین کشکی: "دهه قانون اساسی - غفلت زدگی افغانها و فرصت طلبی روسها"، مرکز نشراتی میوند، پشاور، چاپ اول، 1365، صفحه 14)

از توضیحات فوق میتوان دلیل استعفاي محمد داود خان را از صدارت نیز دریافت، به این زعم که جدیت او در ایجاد تحول بر طبق پیشنهادش که در نامه های او منعکس گردیده بود، این نکته را واضح می سازد که تماس های مکررش با اعلیحضرت نتیجه دلخواه بار نیاورد و شاید هم در دیدارهای خصوصی او با پادشاه بحث های جدی صورت گرفته باشد که شایعاتی را از قبل مبنی بر کناره گیری محمد داود خان از صدارت به همراه داشت، طوریکه به قول جنرال یحیی

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ

نوروز: «چندین هفته قبل از استعفایش در وزارت دفاع شنیده میشد که "داؤد خان می‌رود". (داکتر عاصم اکرم: "نگاهی به شخصیت، نظریات و سیاست های سردار محمد داؤد"، انتشارات میزان، ویرجینیا، 1380 ، صفحه 165)

با توجه به عبارات ذیل که از نامه اول و دوم او عنوانی پادشاه برگرفته شده است، واضح می‌گردد که استعفی بر محمد داؤد خان بطور مستقیم از طرف پادشاه تحمیل نگردیده، بلکه از تصمیم قاطع و جدی خود او منشاء گرفته است:

«من بارها بحضور شما عرض نموده ام، از صمیم قلب یکبار دیگر عرض میکنم که این طرز اداره مملکت و این فضای خاندانی با ذهنیتی که آن ها تربیه شده اند، بعد ازین با هر تعبیری که از آن کرده شود، چه از نگاه مسئولیت وظیفوی و چه از نقطه نظر عقیده شخصی برای من قابل تحمل نیست». (نامه اول)

«امروز نظر به فردا معاذیریکه حضور شما خوبتر هرکدام آنرا میدانید و از سالیان دراز هیچکدام آنرا از شما پوشیده نگذاشته ام، حس میکنم که بیش ازین دوام بوظیفه چه از نقطه نظر طرز فکر و چه نظر بوضع صحی بسیار دشوار است»؛ «پس از تجارب چندین ساله در خدمت این مملکت و با آنهمه حقایق اوضاع مملکت باز هم اگر چوکی صدرات عظمی را غنیمت شمرده به این وظیفه دوام بدهم، نه تنها از اعتماد شما سوء استفاده کرده، بلکه برخلاف اصلهای عقیدوی و هدف زندگی خود رفتار کرده خواهم بود». (نامه دوم)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ